

Explaining the Intergenerational Social Mobility of Women based on the Components of Social Capital (the Level of Access to General skill Resources, the Level of Access to Individual Support Resources, the Level of Access to Entrepreneurship Resources) (Case Study: Women Aged 29 to 49 in Arak City)

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Rezvan Derakhshideh¹
Farhad Emamjome^{2*}
Zhila Mashhadhi¹
Maryam Yarmohammed Tooski¹

How to cite this article

Rezvan Derakhshideh, Farhad Emamjome, Zhila Mashhadhi, Maryam Yarmohammed Tooski, Explaining the Intergenerational Social Mobility of Women based on the Components of Social Capital (the Level of Access to General skill Resources, the Level of Access to Individual Support Resources, the Level of Access to Entrepreneurship Resources) (Case Study: Women Aged 29 to 49 in Arak City), *Islamic Life Style*. 2022; 7:63-75.

1. Department of Sociology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Department of Social Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran (Corresponding Author)

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: f.emamjome@yahoo.com

Article History

Received: 2023/03/23
Accepted: 2023/05/31

ABSTRACT

Purpose: Considering the importance of intergenerational social mobility in women, the present research was conducted with the aim of Explanation social mobility of women based on the social capital components.

Materials and Methods: This study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was descriptive from type of correlation. The research population was women of Arak city in 2021 year with number 17,496 people, which based on the Cochran formula the sample size was determined 379 people who were selected by multistage cluster sampling method. The research tools were included the demographic information form and researcher-made questionnaires of intergenerational social mobility and social capital, which whose face validity was confirmed by the opinion of experts and the reliability of both questionnaires was calculated with using Cronbach's alpha method 0.74. Data were analyzed by Pearson correlation coefficients and regression in SPSS software.

Findings: The findings showed that social capital($r=557/0$) and its two components including access to general skill resources ($r=464/0$) and, access to individual support resources ($r=641/0$) had a positive and significant relationship with intergenerational social mobility of women ($P<0.001$) but access to entrepreneurial resources ($084/0r=$) didn't have significant relationship with intergenerational social mobility of women.

Conclusion: According to the findings of this research, in order to increase the intergenerational social mobility of women can be provided the ground for the improvement and promotion of social capital and its components.

Keywords: Intergenerational Social Mobility, Social Capital, Women

تبیین تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان بر اساس

مولفه‌های سرمایه اجتماعی (میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی، میزان دسترسی به منابع حمایت فردی، میزان دسترسی به منابع کارآفرینی) مورد مطالعه: زنان ۲۹ تا ۴۹ ساله شهر اراک

رضوان درخشیده^۱

گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

فرهاد امام جمعه^{۲*}

گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

ژیلا مشهدی^۳

گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

مریم یارمحمد توسکی^۴

گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

هدف: با توجه به اهمیت تحرک اجتماعی بین‌نسلی در زنان، پژوهش حاضر با هدف تبیین تحرک اجتماعی زنان بر اساس مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش زنان شهر اراک در سال ۱۳۹۰ با تعداد ۱۷۴۹۶ نفر بودند که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۹ نفر تعیین شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل فرم اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه محقق ساخته تحرک اجتماعی بین‌نسلی و سرمایه اجتماعی بود که روایی صوری آن با نظر متخصصان تایید شد و پایایی هر دو پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون و رگرسیون در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی ($r=557/0$) و دو مولفه آن شامل دسترسی به منابع مهارت عمومی ($r=464/0$) و دسترسی به منابع حمایتی فردی ($r=641/0$) مثبت است. و ارتباط معنی‌داری با تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان ($P>0/001$) اما دسترسی به منابع تجدیدپذیری ($r=20/84$) با تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان رابطه معنی‌داری نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های این پژوهش، به منظور افزایش تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان می‌توان زمینه را برای بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن فراهم کرد.

کلیدواژه: تحرک اجتماعی بین‌نسلی، سرمایه اجتماعی، زنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

*نویسنده مسئول f.emamjome@yahoo.com

مقدمه

در عصر حاضر تحرک اجتماعی از مباحث مهم علوم اجتماعی است و در جوامع گوناگون از اهمیت زیادی برخوردار بوده است؛ به طوری که توسعه یافتگی و شایسته‌سالاری جوامع در بخش‌های مختلف، را می‌توان با میزان تحرک اجتماعی افراد جامعه خصوصاً زنان ارزیابی کرد. تحرک اجتماعی به میزان امکان جابجایی افراد و گروه‌ها در مراتب قشربندی و طبقات اجتماعی اطلاق می‌شود و نشانه وجود پویایی آن در هر فرد، گروه و نهادها است. بر اساس آن می‌توان استنباط کرد که ساختار قشربندی و طبقات اجتماعی جامعه تا چه اندازه باز یا بسته است و افراد به چه میزان می‌توانند به فرصت‌های ارتقاء در آموزش، شغل، ثروت، شهرت و منزلت اجتماعی دست یابند اندازه تحرک اجتماعی صعودی زنان در یک جامعه، شاخص مهمی برای میزان باز بودن آن جامعه است و نشان می‌دهد که زنان باهوش و پر استعداد که در میان قشرهای پایین جامعه به دنیا می‌آیند، می‌توانند همانند مردان از نردبان اقتصادی-اجتماعی صعود کنند و برای رسیدن به موقعیتی که استحقاق آن را دارند؛ از فرصت برابر مردان در پیشرفت و بهبود در کیفیت و سطح زندگی، برخوردار می‌شوند. ثروت، قدرت و دانش، شغل، و منزلت اجتماعی برخوردار شوند. تنها عوامل محدود کننده، صلاحیت و ترجیحی است که شخص برای یک موقعیت خاص قائل است. برعکس در جامعه بسته، خشکی و انعطاف‌ناپذیری ساختار اجتماعی به حدی است که زنان، توانایی حرکت از پایگاهی که هنگام تولد به آنان واگذار شده است را ندارند و عوامل بازدارنده تحول و تحرک اجتماعی موجب می‌شود که دستیابی زنان واجد شرایط به منابع و سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی فراهم نگردد (۱). لذا توجه به یافتن عناصر و جزئیات بهم پیوسته "تحرک اجتماعی قشر زنان" (که نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند) و مفاهیم و قضایای جمله سرمایه اجتماعی که می‌تواند رابطه پایدار و درونی میان این عناصر جزئی را بیان نماید، در اولویت است.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق: یکی از رنج‌های دیرینه و عمیق انسانی و اجتماعی بشر این بوده که چگونه وقتی در برابر سختی‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌های مختلف قرار می‌گیرد می‌تواند خود را از دامن چالش‌ها و کشمکش‌ها رها کرده و خلاصی بیخشد. شاید یکی از روش‌ها و ابعاد اجتماعی یافتن راه این رهایی و خلاصی آن باشد که انسان توانسته است بسترهایی را برای رهایی و آزادی خویش بیابد که به موجب آن توان گری تحرک‌های پایدار و ساخت یافته‌ای را پیدا کند و از این رو موقعیت و شبکه روابط جمعی خود را تغییر بدهد. با تجربه این گونه تغییرها در سبک و فضای زندگی، برخی توانسته‌اند از میزان مواجهه با سختی‌های فرسوده‌کننده و مهلک، و بسیاری از آسیب‌ها و وابستگی‌های محدودکننده و تک بعدی شدن خود بکاهند. به نظر بسیاری محققان، تحرک اجتماعی عمودی

اجتماعی صورت می‌گیرد و با جلوگیری از اتلاف انرژی و توانایی ایشان زمینه تحرک اجتماعی صعودی آنها فراهم خواهد شد. از این رو لازم است میزان برخورداری زنان این شهر از سرمایه‌ها، بررسی شده تا مشخص شود زنان جامعه شهری اراک در ساختارها و عرصه‌های تعاملاتی چه پایگاهی دارند.

مرور پیشینه تحقیق: پیرامون مسئله تحقیق، پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده با بررسی سوابق پژوهشی داخلی و بررسی نتایج پژوهش رفعت جاه و قربانی در پژوهش "تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحرک شغلی زنان" نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی، مشارکت روابط و اعتماد اجتماعی زنان دارای پستهای مدیریتی، بیشتر از سایر زنان بوده است. مسعود چلبی در اثر "جامعه‌شناسی نظم" ضمن اشاره به نظرات کلنن، سرمایه اجتماعی را زمینه تحرک اجتماعی افراد را می‌داند. در پژوهشی دیگر قجری و علیخانی در پژوهش "سرمایه اجتماعی زنان شهر بروجن تاثیر داشته و مانعی در تحرک اجتماعی آنها بوده است. زارع ولطیفی در "سرمایه اجتماعی عامل توسعه اقتصادی در شهر کرمانشاه" نشان دادند که در مجموع ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته میزان تحرک اجتماعی، توسط متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. قانعی راد و حسینی در تحقیق "تاثیر سرمایه اجتماعی بر تحرک اجتماعی" نتیجه گرفتند که اعتماد و مشارکت، دو مجهول عاملی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به تحرک اجتماعی برسند. سهامی و کلدی در تحقیق "سرمایه اجتماعی و جهانی گرایی" نشان دادند سرمایه اجتماعی بالاتر، بخصوص اعتماد درون‌گروهی می‌تواند ارزش‌های توسعه‌مدار را ایجاد و تقویت کند و مولفه‌های سرمایه اجتماعی (مشارکت، اعتماد، شبکه اجتماعی) در قالب بسط انجمن‌ها و نهادهای مدنی در تجهیز شناختی زنان و تحرک اجتماعی موثر است. عبدالهی و موسوی در پژوهش "سرمایه اجتماعی عامل اصلی توسعه انسانی" سرمایه اجتماعی را عامل فرایند توسعه انسانی و اجتماعی، آسان‌کننده کشتهای، توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، و تحرک اجتماعی است. الوانی در تحقیقی با عنوان "عوامل سرمایه اجتماعی" معتقدند سرمایه اجتماعی در یک جامعه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اعتماد به هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی، عوامل ارزشمندی هستند که عمل دستگاه دموکراتیک را روان‌تر کرده و زمینه تحرک اجتماعی را فراهم می‌نمایند. اجتهادی در مقاله‌ای با عنوان "سرمایه اجتماعی" نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی کنشگر قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که کنشگر برای رابطه برقرار کردن با دیگران به آن نیاز دارد و باید به دست آورد تا بتواند به سطحی از تحرک اجتماعی برسد. عبداللہی در پژوهش "پدیده‌های اجتماعی نظیر قانون‌گریزی و نظام‌های جمعی" سرمایه اجتماعی را به عنوان راهبرد اصلی تحرک اجتماعی مطرح کرد.

سوابق پژوهشی خارجی: در میان نظریه‌های خارجی هارپر در مقاله‌ای با عنوان "متغیر سرمایه اجتماعی" آنرا موجب ارتقاء سطح

و حتی افقی در جامعه امروز پویشی است برای تعدیل مواجهه با صعوبت‌ها و بحران‌های زندگی (۲). مساله این است که آیا قشر اجتماعی زنان در جامعه شهری مانند شهر اراک، توانسته است فرصت‌ها و نمادهای تحرک اجتماعی را بدست آورده و بدین واسطه ازدامنه مواجه شدن با بسیاری مسائل و نگرانی‌های جاری زندگی خویش بکاهد. رسیدن به این تحرک جریانی است که در واقع مستلزم هزینه و پیوند منابع سرمایه‌ها از جمله سرمایه اجتماعی در بدنه جامعه (شهری مانند اراک و...) بوده است. در گذشته در جامعه بسته، سنتی و مردسالارانه ایران، امکان تحرک اجتماعی زنان در نظام‌های اداری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار دشوار بود ولی در دهه‌های اخیر: جبر تحولات پرشتاب کلان‌شهرها، ارتباط پیوسته با جامعه جهانی و نوسازی‌های حاصله (از دوران قبل و بعد انقلاب ۵۷) تغییرات متعددی در مناسبات اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی به وجود آورده در نتیجه نگرش‌ها و آگاهی‌های افراد (به خصوص قشر زنان) تغییر کرده و وضعیت دختران نسبت به مادران ارتقاء یافته و با بهره‌مندی از سرمایه‌ها و دسترسی به فرصت‌های موجود، به جایگاه مناسب تری نسبت به نسل قبلی رسیده است (۳) که بازتاب این فرایندها را می‌توان در عرصه‌های مشارکت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... زنان جامعه شهری اراک نسبت به مادران دید. در واقعیت، هزینه‌کرد منابع سرمایه اجتماعی به جریان افتاده که بسیاری اشخاص و اقشار آن را احساس می‌کنند؛ در ساختار نظام اجتماعی به ویژه جامعه شهری امروز (مانند جامعه شهری اراک و...) بسترها و شانس‌های قابل انتخاب در فضای همبستگی و هماهنگی اجتماعی فراهم شده به نحوی که اشخاص (مانند قشر زنان) وقتی در جریان تحولات و تغییرات قرار گرفته و می‌توانند تحویلات رو به رشد در مدارج مختلف، و نیز مهارت‌های کاری و رسانه‌ای بیابند و در این عرصه‌ها مشارکت هر چه بیشتری داشته باشند و موفقیت‌های دارای نقش و منزلت، اعتبار و اعتماد قابل ارتقائی را کسب نمایند. بنابراین در عرصه‌های شهری، ملی و حتی جهانی گرایش می‌یابند که پویش و تحرک اجتماعی داشته و چگونگی زیست جهان خود را انتخاب نموده و رقم بزنند. از این رو زن در برهه معاصر با زن در نیم قرن گذشته از شخصیت و هویت اجتماعی کاملاً متفاوتی برخوردار است؛ راه خوش‌بختی با رشد توانایی‌ها، فعالیت‌ها، پویش‌ها و استقلال شغلی و تحصیلی مسئولانه و توان‌گرانه‌ای او هموار است، و نیازی به مرد ندارد؛ و این مردان هستند که به او محتاج‌اند و می‌توانند با وفاداری و احترام و هماهنگی متوازن، با او به خوشبختی برسند. هر چند گزارش‌ها و آمارهای مستدل پژوهش نشان می‌دهد که محدودیت‌ها و کاستی‌هایی در تحرک اجتماعی صعودی زنان وجود دارد و آن‌گونه که انتظار می‌رود زمینه رشد و فعالیت زنان فراهم نگردیده و با تمام تلاش زنان برای اثبات خود، پایگاه اقتصادی اجتماعی آنها پایین‌تر از مردان است و سهم زنان از سرمایه‌اندک در حالی که سرمایه‌ها هستند که عامل تحرک و پیشرفت جامعه و تعیین‌کننده باورها، نگرش‌ها و وضعیت افراد در جامعه هستند (۴). اگر زنان جامعه شهری اراک به اندازه کافی از سرمایه اجتماعی بهره‌مند شوند و از متمرکز کردن منابع کمیاب در دست‌عده‌ای محدود جلوگیری گردد، توسعه انسانی و به تبع آن توسعه

طبقاتی. علاوه بر این عوامل عمده دخیل در تحرک اجتماعی، حجم خانواده، قومیت، جنسیت، حق تقدم فرزندان، تحصیلات، ازدواج، مهاجرت، چشم پوشی از منابع آبی به خاطر منافع آبی، برنامه های دولتی و اصل و نسب خانوادگی و برنامه های دولتی و سن بوده است و موقعیت های اکتسابی، نقش آموزش های جدید در تحرک اجتماعی دخیل هستند. فرصتهای زنان امروزی بسیار بیشتر از همتایان آنها در نسل قبل بوده و زنان طبقه متوسط بیشترین بهره را از تحولات یاد شده برده اند. همچنین سرمایه اجتماعی به طور عام و تحرک اجتماعی به طور خاص محصول، روابط اجتماعی محسوس هستند که افراد جامعه آن را درک می کند و تأثیرات متقابل زیادی بر یکدیگر داشته و نگرشها و طرز تلقی های افراد را نسبت به یکدیگر تحت تأثیر قرار می دهد و موجب تقویت یا تضعیف تحرک اجتماعی و همبستگی جمعی می شود و نوعی حمایت و فرصت سهمی شدن با دیگران را فراهم می کند و افراد را قادر می سازد تا شبکه ای از روابط اجتماعی را نسبت به هم حفظ کنند و تداوم بخشند و موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای جامعه و تحرک اجتماعی می شود و میزان بهره برداری از سرمایه اجتماعی موجود در جامعه برای هر فرد به صورت مستقل منفعت ایجاد می کند.

چارچوب نظری: فائلان به مفهوم تحرک اجتماعی را می توان در چهار سنت نظری از هم متمایز کرد: ۱- سنت نوگرایی اجتماعی و روانی ۲- سنت باز تولید گرایی ۳- سنت تلفیقی ۴- سنت تفسیری. در نوسازی اجتماعی: صاحب نظران این دیدگاه، تالکوت پارسونز، هوزایتز، نیل اسملسر، ایزنشتاد و مورمی باشند (۵) ولی این نظریه بیش از همه متأثر از آرا و عقاید تالکوت پارسونز بوده است. هوزایتز: راه انتقال جامعه سنتی به مدرن را حذف الگوهای سنتی میدانند و اسملسر: تمایز ساختی و هماهنگی ساختی یا کارکردی را مطرح می کند. ایزنشتاد: برای حفظ و تداوم نوسازی معتقد است باید قابلیت انعطاف و انطباق ساختی وجود داشته باشد و مورمی: به سه مدل عمده نوسازی سرمایه دارانه، محافظه کارانه و نوسازی کمونیستی اشاره می کند. پارسونز جامعه را متشکل از چهار خرده نظام فرهنگی- اجتماعی- سیاسی و اقتصادی می داند که هر کدام از این خرده نظام ها کارکرد و نقشی را در جامعه ایفا می کنند، خرده نظام سیاسی دست یابی به اهداف متصوره از سوی نظام اجتماعی را بیان می کند و برای دوام و بقا شرایط و لوازم و ابزار رسیدن به هدف را برای خود و اعضا خود فراهم می کند؛ خرده نظام فرهنگی به حفظ و نگهداشت الگوهای فرهنگی که به واسطه مکانیسم های جامعه پذیری همچون نهاد خانواده، رسانه، آموزش، مذهب این کار را انجام می دهد، می پردازد، نظام فرهنگی با ایجاد انگیزه و آمادگی ذهنی فرد را برای کنش آماده می کند و با حفظ ارزشها و باورها الگو را حفظ می نماید، الگوهای فرهنگی از طریق پدر و مادر در مراحل اولیه جامعه پذیری و بعد از آن مدرسه و دوستان خواهد بود (۲). خرده نظام اقتصادی با تزریق انرژی (ارائه پول- کالا و خدمات) وظیفه ای انطباق را بر عهده دارد تا جامعه بتواند نیازمندی های اعضای خود را برآورده سازد و افراد را با محیط زیست سازگار نمایند. در این نظام تکامل افراد به شغل افراد بستگی دارد. خرده نظام اجتماعی: به یکپارچگی اجتماعی و امنیت شهروندان می پردازد که کارکرد درست این نظامها موجب برقراری نظم و

همکاری اعضای آن جامعه دانسته که زمینه تحرک اجتماعی را فراهم می کند و هزینه های تبادلات و ارتباطات را پایین می آورد. نارایان و کاسیدی در "مفهوم سرمایه اجتماعی"، الگویی را بر اساس داده های واقعی بر اساس کشور غنا و اوگاندا ارائه کردند که شامل سه حیطه منابع یا عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی، عوامل یا گونه های سرمایه اجتماعی و در نهایت تأثیرات و پیامدهای سرمایه اجتماعی در تحرک اجتماعی بود. در تایوان رنگ در "رابطه تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی" با تأکید بر روابط بین گروهی در عصر دموکراسی و توسعه سیاسی نشان داد که سرمایه اجتماعی مهم ترین عامل تحرک اجتماعی است. در اندونزی همگروه طائره در "نقش سرمایه اجتماعی در تحرک فردی" ابتدا سرمایه اجتماعی را به معنای سازمان اجتماعی در نظر گرفت و تأثیر و کیفیت آن را از لحاظ وضعیت، عضویت، ظرفیت و رهبری در ارتقای سطح تحرک اجتماعی نشان داد و پس از آن در اثر مشترکش با تالار نقش سرمایه اجتماعی را در توسعه و تحرک اجتماعی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد و به ارتباط مستقیم تحرک اجتماعی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد. در استرالیا استون "ابعاد سرمایه اجتماعی" را اعم از ساختاری و شناختی مورد بررسی قرار داد و تصریح جنبه های مثبت و منفی سرمایه اجتماعی و نتایج دور و نزدیک آن را از لحاظ جلب همکاری های جمعی افراد و توسعه و تحرک انسانی و اجتماعی مطرح نمود. در هند کریشنا در "سرمایه اجتماعی مناطق روستایی" نتیجه گرفت داشتن ارتباطات بیشتر یک شخص، به طور مثبت با تحرک اجتماعی او رابطه دارد. ریچاردز (۲۰۱۶) در "سرمایه اجتماعی یا همبستگی اجتماعی" چگونگی شبکه روابط اجتماعی، دوستی ها، را احساس کنترل شخصی و اعتماد اجتماعی می داند و معتقد است که سرمایه اجتماعی بیش از سرمایه انسانی (میزان تحصیلات، درآمد، موقعیت اجتماعی فرد و...) در تحرک اجتماعی جامعه مؤثر است. در تحقیقی دیگر، هلیون بر روی "ابعاد رابطه ای سرمایه اجتماعی" کنکاش کردند و تأثیر مثبتی از سرمایه اجتماعی بر روی تحرک اجتماعی را نشان دادند. رز در تحقیق "شبکه های سرمایه اجتماعی" به طور خاص در فراهم آوردن حمایت های عاطفی و روانی نقش مؤثری در ارتقای سلامت روانی افراد دارند و سلامت روانی ارتباط مستقیمی با تحرک اجتماعی فرد دارد؛ به آن دلیل که سرمایه اجتماعی نوعی حمایت و فرصت سهمی شدن با دیگران را فراهم می کند و ندرگدر مقاله ی "سرمایه اجتماعی و تحرک اجتماعی" بیان می کند کدام بخش از سرمایه اجتماعی، کدام تأثیرات را بر جای می گذارد و تحت چه شرایطی تحرک اجتماعی را ایجاد می کند.

آنچه به عنوان یک یافته عام و مشترک از تحقیقات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یافت می شود آن است که توسعه اجتماعی رو به افزایش و فرصت های ارتقا برای افراد جامعه صرف نظر از خاستگاه طبقاتی آنها از یک سو و در پیش گرفتن سیاست های عادلانه تر در توزیع امکانات و منابع مختلف توسط دولت ها از سوی دیگر، بر تحرک افراد در سلسله مراتب اجتماعی تأثیر گذار بوده است. ضمن آنکه که نابرابری های ناشی از موقعیت به همان اندازه اهمیت دارند که نابرابری های ناشی از ساختارها یا، به عبارت دیگر، تاریخ تولد به همان اندازه مهم است که خاستگاه

را باز تولید کرده و مشروعیت می‌بخشد و شغل شاخصی برای تغییر طبقه و تحرک به حساب نمی‌آید و بر روابط سلطه و بهره‌کشی تأکید دارند. در این رویکرد تحلیل‌گران به پیامدهای رابطه‌ای نابرابر توجه دارند که شامل تسلط یک گروه بر گروه دیگر و تأثیر این روابط بر ساختار اجتماعی یا تغییرات است و قدرت شکل می‌گیرد (۹). رویکرد بازتولید اجتماعی جایگاه افراد در قشر بندی اجتماعی را ناشی از ساختارهای طبقاتی، زمینه خانوادگی و عوامل فرهنگی و دسترسی به انواع سرمایه‌ها می‌داند و امکان یا امتناع آن را به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت می‌دهند و معتقدند که هر گونه پدیده‌ای در اجتماع متأثر از این عوامل است؛ به عبارت دیگر افراد در طبقات مختلف اجتماعی جای گرفته‌اند و جای‌گیری در این طبقات رابطه مستقیمی با دسترسی به قدرت دارد و این دسترسی زمینه رسیدن به انواع به سرمایه‌ها را فراهم می‌کند نوع خاصی از شغل و طبقه را برای آنان به ارمغان می‌آورد و این امر در دسترسی فرزندان به مرتبه شغلی و طبقه اجتماعی مشابه با والدین تأثیر زیادی دارد. از نظر این رویکرد، تحرک اجتماعی در پایین‌ترین سطح خود در جامعه وجود دارد و آنچه هست باز تولید اجتماعی است. ساختار نابرابرکننده و ناعادلانه اقتصادی و طبقاتی، سیاسی مسبب اصلی مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی است که از طریق باز تولید ارزش‌ها و باورهای خاص در میان توده‌ها و طبقات پایین به تداوم نابرابری و عدم تحرک اجتماعی آنها دامن می‌زنند و تحرک اجتماعی را برای یک قشر خاص ضروری می‌دانند (۱۰).

در رویکرد تلفیقی: بوردیو به تلفیق دو رهیافت کنش و ساختار معتقد است به باور وی ساختارها به واسطه کنش، تولید و بازتولید می‌شوند "ساختاردهنده" هستند، یعنی کنش را هدایت و مهار می‌کنند. اما ساختارها در عین حال "ساختمند" هم هستند و کنشگران آنها را تولید و بازتولید می‌کنند. کنشگران در برابر ساختارها از آزادی به طور کامل برخوردارند و نه ساختارهای اجتماعی کاملاً محدودکننده کنش‌های عاملان اجتماعی قلمداد می‌شوند به باور بوردیو رابطه میان منش‌ها و ساختار اجتماعی و کنشگران اجتماعی رابطه‌ای یکسویه نیست بلکه کنشگر در برابر منش‌ها دارای قدرت ابتکار و نوآوری است. منش‌ها در چارچوب ساختارهای اجتماعی قواعد کنش را طراحی و تنظیم می‌کنند ولی نوآوری کنشگر سلب نمی‌شود. ساختارها تداوم حاکمیت و استیلا را درون یک میدان (حوزه) دنبال می‌کنند. میدان می‌تواند کل جامعه، یک بخش از جامعه یا قشری خاص از آن را شامل شود که در آن نیروهای بالقوه یا بالفعل با یکدیگر وارد تبادل می‌شوند. هر میدان بر اساس نوع کنش و فعالیت خود به انواع میدان اجتماعی، میدان اقتصاد، میدان آموزش، تقسیم شده (۱۱). کنشگران در درون هر میدان بر اساس منش، سلیقه و موقعیت خود برای کسب منفعت و منابع (درآمد، ثروت، شغل و...) به رقابت می‌پردازند. درون میدانها فرد تلاش می‌کند تا بر اساس برخورداری از ظرفیت هر کدام از سرمایه‌ها به سرمایه دیگر هم دسترسی پیدا می‌کند و دسترسی افراد بر اساس موقعیت اجتماعیشان اعمال سلیقه می‌کنند و هر طبقه سعی می‌کند با شکل دادن به سلیقه اش، خود را از سایر طبقه‌ها متمایز کند. افراد بر پایه تملک انواع سرمایه، عادت واره‌ها، الگوهای

توافق اجتماعی است. هر نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که رابطه آنها با موقعیت و همچنین با یکدیگر به دلیل نظام ساختار بندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک، مشخص می‌گردد. نظام اجتماعی از کجروی‌های افراد جلودگیری می‌نماید و با ایجاد همبستگی و وفاداری به اصول، حدود و میزان آزادی عمل را تعیین نماید و هر فرد یا قشر اجتماعی که کارکردش بیشتر در جهت تحقق بخشیدن به ارزشهای جامعه باشد، در قشر بندی اجتماعی رتبه بالاتری را نسبت به سایر اقشار تصاحب می‌کند و پاداش بیشتری می‌گیرد. اشخاص با فضیلت و متصدیان، ارجمندترین مشاغل در پایگاه اجتماعی را دارا هستند و بالاترین تحرک نصیب آنها می‌شود. کنشگران در انتخاب نوع یا جهت کنش خویش آزاد نیستند، بلکه این ساختارهای فرهنگی اجتماعی است که چگونگی کنشگری آنان را تعیین می‌کند. بنابراین هر کنشگر بر آن است تا با صرف انرژی و تلاش و تحرک بیشتر به پاداش و هدف خود برسد و خود را با محیط بیرونی سازگار نماید و از راه حواس با جهان فیزیکی تماس برقرار نماید (۶).

درنوسازی روانی ایجاد تغییراتی مطلوب در ساخت شخصیت افراد زیربنای تحرک آنها را فراهم می‌کنند نظریات راجرز، مک کله مند، دانیل لرنر را می‌توان در این دسته جای داد (۷). راجرز می‌گوید خود شکوفایی باعث می‌شود که افراد تلاش کنند و استعدادها را خود را شناسایی و حتی کشمکش و درد را تحمل نمایند تا بتوانند به بالاترین حد انسانی و تحرک اجتماعی برسند. مک کله لندر معتقد است میزان نیاز به موفقیت در همه افراد، گروه‌ها، ملت‌ها، مذاهب، و طبقات اجتماعی یکسان نیست. انگیزه موفقیت، نیازی روانی و پدیده‌ای است که با شخصیت افراد سر و کار دارد ولی پدیده‌ای کاملاً روانی نیست بلکه منشأ این پدیده، بعضی شرایط اجتماعی است که باعث ایجاد درجات متفاوتی از این انگیزه می‌شود که عبارتند از آموزش در خانواده، طبقه اجتماعی والدین، شغل والدین، دگرگونی اجتماعی و تحول ساخت‌های سیاسی و نظایر آنها. وجود سطح بالایی از نیاز به موفقیت، افراد مبتکر و خلاق را پرورش می‌دهد تا بتوانند تحرک اجتماعی بیشتری داشته باشند. لرنر توسعه ارتباطات را لازمه تحرک روحی و رفتاری افرادی دانست. مدل علی لرنر ترتیبی از مراحل گوناگون نهادها ارائه می‌دهد که به رشد فرد و نوگرایی منتهی می‌شود شهری شدن، گسترش رسانه‌های جمعی، درآمد سرانه بیشتر و مشارکت سیاسی را به منصف ظهور می‌آورد. نوآوری‌ها عامل دگرگونی‌های جدید و تحرک اجتماعی هستند و می‌توانند تغییرات اجتماعی گسترده‌ای را در چارچوب پذیرفته شده هنجارهای جهانی پیشرفت مادی به انجام برسانند (۸).

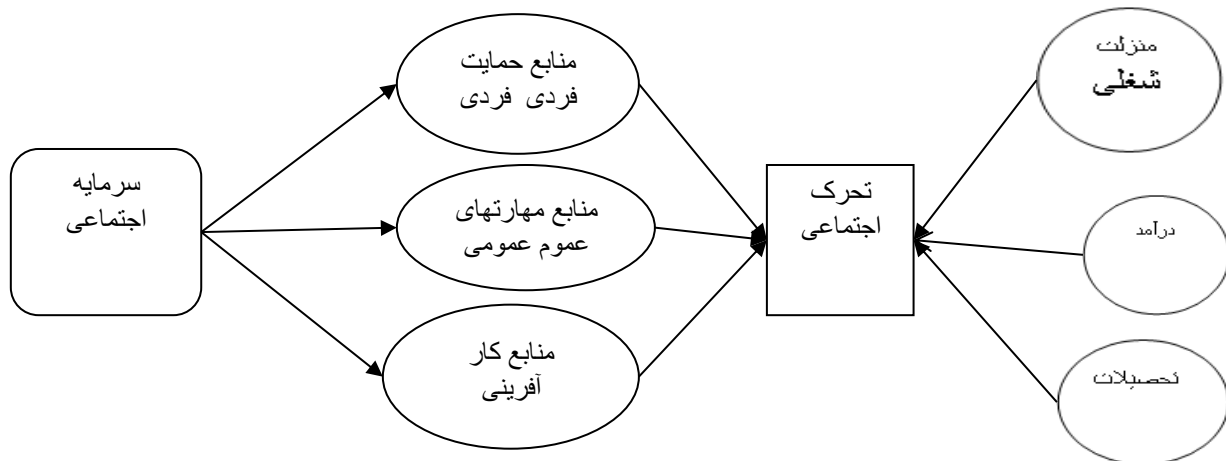
سنت بازتولید اجتماعی و فرهنگی: این نظریه ریشه در تفکرات ساموئل بولزو هربرت گین تیس دارد و معتقدند نظام آموزشی، عنصری اساسی در بازتولید تقسیم کار و بیانگر تفوق و برتری طبقه سرمایه داری است. آنها نابرابری آموزشی را بخشی از تار و پود جامعه سرمایه داری و طبقاتی می‌دانند و معتقدند که ساختار سلسله مراتبی ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌هایی که در عرصه کار وجود دارد، همان سلسله مراتب و روابط موجود در کلاس است. در واقع مدرسه نهادی است که نابرابری‌های موجود بین طبقات اجتماعی

رفتاری ویژه ای را برای خود در پیش می گیرند (۱۲). انواع سرمایه هایی که فرد در اختیار دارد زمینه ساز شکل گیری روابط اجتماعی مختلف در بین گروههای اجتماعی مختلف می گردد. مقایسه حجم و ترکیب سرمایه بین نسل های متفاوت، می تواند نشان دهنده تفاوت در امکانات ساختاری و توانایی زنان در استفاده از این امکانات و میزان تحرک اجتماعی افراد از جمله زنان باشد (۱۳). تمرکز مقاله فوق نیز بر سرمایه اجتماعی در سطح خرد است و بر مبنای دیدگاه و ندرگک سرمایه اجتماعی مجموعه ای از روابط، تعاملات و شبکه های اجتماعی است که در میان افراد و گروههای اجتماعی وجود دارد و اثر گذاری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن از طریق ایجاد امکان دسترسی به منابعی رخ می دهد که در قالب قدرت جلب اعتماد و شبکه سازی متبلور می شود. منظور از دسترسی میزان برداشت فرد از انباشت سرمایه اجتماعی موجود در جامعه است در واقع در این نوع از تحلیل، سرمایه اجتماعی یک کل متعلق به جامعه یا گروه تلقی شده که بهره برداری افراد از آن در قالب دسترسی آنها به سرمایه اجتماعی گروه یا جامعه ای که به آن تعلق دارند برای آنها منافع اقتصادی و اجتماعی دارد و میزان بهره برداری از سرمایه اجتماعی موجود در جامعه برای هر فرد به صورت مستقل منفعت ایجاد می کند.

در مجموع هر انسان اجتماعی در تحرک و پویایی به سر می برد. اگر تحرک در واقعیت، علائم حیاتی نداشته باشد، ادامه زندگی انسانی متوقف شده و شخص در چرخه قدرت و فشار ساختارهای مسلط و جمعی ذوب و محو می شود. بر این اساس جامعه شناسی نباید نیرو و عشق درونی و تمایل روحی انسان برای خود شکوفایی را نادیده بگیرد، اگرچه این فرایند درونی در چالش با مناسبات و شرایط بیرونی جامعه ممکن است به صورت های متفاوتی متجلی بشود. با این نحوه نگرش و دسته بندی تحلیلی و نوع شناسانه، از پارادایم اصالت تعریف و رویکرد تفسیری از منظر جامعه شناختی استفاده شده زیرا مهم است که زنان جامعه شهری با چه مفاهیم و ادبیاتی در برابر پرسش های این پژوهش، حساسیت های فکری، روحی و درونی شان را بروز و ظهور می دهند. در رویکرد تفسیری با تمرکز بر اصالت انسان به جای اصالت محیط و یا اصالت اختیار انسان به جای جبر محیط، معتقد به نقش فعال عقاید و نگرش های انسان در ایفای کنش های اجتماعی او است. بر این باور است که کنشگران بر اساس معنایی که در ذهن دارند، دست به عمل می زنند. بنابراین برای فهم

زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده های اجتماعی گذشت و به معنای نهفته در کنش ها راه یافت. در این دیدگاه رفتار انسان محصول طریقی است که در آن، افراد دنیای اجتماعی را تفسیر می کنند. هر چند ساختارهای اجتماعی بر رفتار اعضا تاثیر گذار است ولی تعیین کننده نمی باشد. دیدگاه نوسازی روانی با نظرات نیاز به موفقیت مک کله لند، گرایش به خود شکوفایی لرنر و تفهم وبر، زیر مجموعه این پارادایم قرار می گیرد. اما با قبول دخالت و زمینه های هموار و ناهموار جامعه، به طور ترکیبی پارادایم اصالت واقعیت اجتماعی و رصد ساختارهای موثر نیز استفاده شده. باید دید در فضای جامعه شهری مانند اراک چه نمادهایی از سرمایه های ساخت یافته ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل بازشناسی بوده که در واقعیت عینی شرایط تحرک اجتماعی بین نسلی زنان را فراهم نموده و ممکن است به دلیل دخالت برخی موانع نهفته ساختاری، گاه پیامد و کارکرد متناسبی نداشته و موجب کندگی روند تحرک شده باشد. پارادایم واقعیت اجتماعی ساختارهای اجتماعی را، مسبب میزان تحرک اجتماعی در جامعه معرفی و امکان یا امتناع آن را به ساختارهای اقتصادی فرهنگی سیاسی نسبت داده و بر واقعتهای اجتماعی همچون ساختارها و نهادهای اجتماعی و تاثیرات الزام آور آنها بر افراد یا کنشگران اجتماعی تاکید دارد. از دیدگاه این پارادایم، اصالت با جمع و جامعه بوده و انسانها طرفا به واسطه نقشی که در منزلت ها و پایگاههای مختلف اجتماعی در داخل نظام اجتماعی انجام می دهند، دارای اعتبار و ارزش می باشند. کارکرد گرایان رفتاری مثل دورکیم، کنت، اسپنسر، مور، دیویس و کارکرگرایان ساختاری مانند پارسونز و مرتن، و رویکرد بازتولید اجتماعی - فرهنگی بوردیو زیر مجموعه این پارادایم قرار می گیرند. رویکرد نظم پارادایم واقعیت اجتماعی به توافق ارزشی و میزان انطباق افراد با الگوهای فرهنگی، ارزشها و هنجارهای موجود توجه نشان می دهند (۱۴).

مدل نظری: بر مبنای مدل تحقیق، تحصیلات و درآمد و منزلت شغلی موجب می شود زنان ویژگی های لازم برای رقابت در میدان تحرک شغلی را به دست آورد، اما این کافی نیست بلکه باید عوامل ساختاری نیز زمینه برخورداری از انواع سرمایه را برای تحرک و ارتقای شخص (زن) فراهم آورد. بر اساس تلفیق نظریات تحقیق مدل تحلیلی به شرح زیر ترسیم و مبنای فرضیه ها و روابط بین متغیرها قرار گرفته است:



کافی برای پاسخ به سوالات را ندارند، بعد از آنکه مشخص شد از هر منطقه و بلوک چه تعداد نمونه انتخاب شده اند، از طریق مصاحبه ساختارمند اطلاعات لازم جمع آوری شد. پرسشنامه با تهیه و طراحی فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی (شامل سوال‌هایی درباره سن، تأهل، شغل همسر، تعداد فرزندان) و پرسشنامه‌های محقق‌ساخته تحرک اجتماعی بین‌نسلی و سرمایه اجتماعی انجام شد. برای تعیین اعتبار از تکنیک "اعتبار-صوری" و از آنجا که برخی گویه‌های مورد نظر به منظور سنجش متغیرها از تحقیقات قبلی گرفته شده از الگوی "اعتبار معیار" نیز استفاده می‌شود. جامعه پژوهش زنان شهر اراک در سال ۱۳۹۹ به تعداد ۱۷۴۹۶ نفر بوده که براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۳۷۹ نفر تعیین شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری ابتدا شهر اراک به سه بخش بالا، متوسط و پایین از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شدند و از هر بخش برخی مناطق و ناحیه‌ها به روش تصادفی انتخاب و در مرحله بعد، ملاک‌های ورود زنان به مطالعه شامل سن ۴۵-۲۶ سال، عدم اعتیاد و مصرف داروهای روان‌پزشکی، عدم وقوع رخداد‌های تنش‌زا مانند ابتلاء به کووید-۱۹ و مرگ نزدیکان در سه ماه گذشته و تمایل جهت شرکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل اعلام پشیمانی از قبول شرکت در پژوهش و انصراف از تکمیل ابزارها و عدم پاسخگویی به بیش از ۱۰ درصد گویه‌ها بودند. برای تعیین پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۰ و ضریب

فرضیه‌های پژوهشی: پژوهشگر با اقتباس از چارچوب نظری بیان شده به فرضیه‌های زیر رسیده است:

الف فرضیه اصلی: بین تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان جامعه شهری اراک و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

ب- فرضیه‌های جزئی: ۱- به نظر می‌رسد بین مراتب دسترسی به منابع مبتنی بر حمایت فردی سرمایه اجتماعی و تحرک اجتماعی بین نسلی زنان رابطه وجود دارد. ۲- هرچه دسترسی زنان به منابع مهارت‌های عمومی (در فضای سرمایه اجتماعی) بیشتر شود تحرک اجتماعی بین نسلی زنان افزایش می‌یابد. ۳- به نظر محقق هر قدر دسترسی به منابع کارآفرینی (در سرمایه اجتماعی) کم و یا زیاد شود بر تحرک اجتماعی بین نسلی زنان تأثیرگذار می‌باشد. ۴- به نظر می‌رسد بین درآمد و منزلت شغلی و تحصیلات و تحرک اجتماعی بین نسلی زنان وجود دارد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از رهیافت کمی و کیفی برای دستیابی به اهداف بهره برده و از نظر هدف و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی و اسنادی است. این مطالعه کاربردی بوده و از نظر شیوه اجرا توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش از روش گردآوری ترکیبی درون روشی که شامل ترکیب همزمان پرسشنامه و مصاحبه ساختارمند است استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مکتوب استفاده شده و برخی اطلاعات با تماس تلفنی (به دلیل اپیدمی کووید ۱۹) تکمیل گردید و در برخی محلات که سواد

متکی است. روش‌های کمی و کیفی در عین تمایز دو مقوله جدا نیستند بلکه در دو سوی یک پیوستار قرار دارد.

۲- دو نوع ترکیب روشی در حوزه گردآوری داده‌ها وجود دارد: ترکیب میان روشی که از کاربرد همزمان یا متوالی یک روش واحد که شامل هر دو جز کمی و کیفی باشد مثل پرسشنامه باز و یا بسته در یک نمونه؛ و ترکیب درون روشی (inter method) که عبارت است از ترکیب همزمان یا متوالی دو یا چند روش مثل پرسشنامه و مصاحبه (محمدپور، ۱۳۹۰، ۸۷)

۱- در پژوهش‌های کمی مفاهیم و متغیرها را به منظور اندازه‌گیری کمی می‌کنند این نوع پژوهش‌ها کاملاً ساختار یافته هستند و از زبان ریاضی و آمار برای پژوهش استفاده می‌کنند در حالی که پژوهش‌های کیفی بر رویکرد طبیعت‌گرا متکی نیستند و مسائل را در یک زمینه و بستر وسیع مورد بررسی قرار نمی‌دهند، چرایی و عمق پدیده‌ها را جستجو نموده و جنبه ذهنی تری دارد و بیشتر از مشاهده و مصاحبه به جای پرسشنامه استفاده می‌کنند. تفسیرها و تحلیل‌هایی که در این روش انجام می‌شود به زمینه و بستر موضوع مورد تحقیق

۵.۵ تا ۷.۵ میلیون تومان - متوسط (۳)، درآمد ۷.۵ تا ۹.۵ میلیون تومان - بالا (۴) و بیشتر از ۹.۵ میلیون تومان درآمد - خیلی بالا (۵).
تحصیلات: در یک طیف پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده: بی سواد - خیلی پایین (۱)، ابتدایی و راهنمایی - پایین (۲)، متوسطه و دیپلم - متوسط (۳)، فوق دیپلم و لیسانس - بالا (۴)، لیسانس و بالاتر - خیلی بالا (۵)، تقسیم شده است.

سرمایه اجتماعی: برای سنجش سرمایه اجتماعی از تکنیک ژنراتور منابع (۱۵) استفاده شده و پرسشنامه مبتنی بر نتایج تئوریک مقاله وندرگگ و آشنایدرز درهلمند می باشد. در این تکنیک از پاسخگو پرسیده شد که آیا فرد یا افرادی را می شناسند که به آیتهم مورد سوال دسترسی داشته باشند. منظور از دسترسی منابعی است که فرد در شبکه روابط خود به آنها دسترسی دارد و از آنها منفعت می برد و این منابع زیر مجموعه ابعاد سرمایه اجتماعی است که هر چه ارتباط با دیگران، سرمایه اجتماعی قوی تر و پیوند های قوی تر نشان دهنده ارتباط بیشتر با کسانی که جز افراد خانواده و دوستان صمیمی بود. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای تنظیم شده. در فرایند تدوین پرسشنامه، گویه ها متناسب با شرایط کشور بومی شده و برای اظهار نظر در اختیار اساتید و صاحب نظران دانشگاهی توزیع و پس از رفع برخی از ابهامات، نهایی خواهد شد. سه شاخص سنجش سرمایه اجتماعی که از تکنیک ژنراتور منابع استخراج شده است عبارتند از: میزان دسترسی به منابع کارآفرینی (منابعی هستند که زمینه ساز کنش های ابزاری هستند و برای فرد زمینه دسترسی به شغل و شغل یابی و یا ایفای بهتر وظایف شغلی را فراهم می کنند) ۲، میزان دسترسی به منابع مهارت های عمومی ۳ (برخی از منابع اجتماعی است که خدمات عام مورد نیاز یک فرد را در اختیار قرار می دهد) و میزان دسترسی به منابع مبتنی بر حمایت فردی ۴ (منابعی هستند که زمینه ساز کنش های اظهاری فرد هستند و کارکرد هایی فراتر از کارکرد ها و اثرات اقتصادی و مادی دارند. در این تکنیک پیوندهای ضعیف برای کنش های ابزاری (کنش هایی که کارکرد اصلی آنها بدست آوردن منابع مستقیم اقتصادی و اجتماعی) مفید است و در مقابل پیوندهای قوی برای کنش های اظهاری (کنش هایی که کارکرد اصلی آنها به اشتراک گذاشتن منابع) است. پس از جمع آوری آمار و اطلاعات حاصل از جدول فراوانی، درصد فراوانی و نمودار ستونی، داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت سپس در قسمت گزارش آمار استنباطی نیز با استفاده از نرم افزار SPSS ۵ به بررسی نرمال بودن داده ها و سپس برای آزمون فرضیه ها و واریانس تاثیر همزمان سه متغیر مستقل بر

همبستگی kmo ۱ تعیین گردیده است. آلفای کرونباخ برای مولفه میزان دسترسی به منابع مبتنی بر حمایت فردی ۰/۸۹، میزان دسترسی به منابع کارآفرینی ۰/۷۵ و میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی ۰/۹۱ محاسبه شد که با توجه به آلفای بالای ۰/۷۰. گویه های ابزار تحقیق از همبستگی درونی بالایی برخوردار بوده و بیانگر روایی مناسب ابزار تحقیق می باشد. در این آماره kmo میزان ۰/۷۰۸. بدست آمد بنابراین حجم نمونه کافی بوده است و مقدار معناداری ۰/۰۰۰ با درجه آزادی ۴ بدست آمده که نشان دهنده نتایج معنا دار است. در پایان، از نمونه ها به دلیل مشارکت در پژوهش و تکمیل ابزارها تقدیر شد. مولفه های منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات، متغیرهای تحرک اجتماعی در نظر گرفته شدند. معیار کلیدی آن است که از تفاوتی که بین نمرات منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات زنان در مقایسه با مادرانشان بدست می آید مشخص میکند که آیا نسل دختران نسبت به مادران خود تحرک داشته اند یا خیر؟ و این تحرک به چه میزان بوده است. در وضعیت بدون تحرک، تغییری در منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات دختران نسبت به مادران ایجاد نشده؛ ولی در وضعیت تحرک اجتماعی صعودی، زنان نسبت به مادران خود در شرایط بهتری قرار دارند؛ و در وضعیت تحرک اجتماعی نزولی، منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات دختران نسبت به مادران آنها به سطح پایین تر فرو کاسته شده است.

تعریف عملیاتی: منزلت شغلی: طبق نظر بوردیو شغل افراد با توجه به اینکه یکی از مهم ترین عوامل نشان دهنده منزلت اجتماعی آنها محسوب می گردد به طور عامدانه یا غیر عامدانه عاملی برای در پیش گرفتن سبک متفاوتی از زندگی است؛ چنان که سبک متفاوت زندگی افراد در تحرک اجتماعی آنها نقش دارد. از این لحاظ لازم است تا طبقه بندی مشاغل به عنوان یکی از شاخص های تحرک اجتماعی است صورت گیرد. پاسخ های مربوط به شغل پس از استخراج از پرسشنامه، لیست شده و به متخصصین داده شد تا رتبه های شغلی متناسب با شرایط کنونی جامعه ارزش گذاری شوند. منزلت شغلی به پنج دسته تقسیم شد که شامل منزلت شغلی خیلی پایین (نمره ۱)، پایین (نمره ۲)، متوسط (نمره ۳)، بالا (نمره ۴)، خیلی بالا (نمره ۵) است.

درآمد: در این تحقیق منظور از درآمد مقدار پول ماهیانه است که هر چه قدر درآمد بیشتر باشد سهم تصمیم ها و انتخاب های افراد بیشتر خواهد بود. درآمد در یک طیف پنج درجه ای تعیین شده: درآمد بین ۱،۶۴۵ تا ۳،۶۲۰ میلیون تومان تا ۳،۶۲۰ میلیون تومان - خیلی پایین (۱)، درآمد ۳،۶۲۰ تا ۵،۶۲۰ میلیون تومان - پایین (۲)، درآمد

۱- آزمون kmo برای اطمینان از کافی بودن نمونه انتخاب شده استفاده می

شود. این شاخص در بازه صفر و یک قرار دارد اگر مقدار شاخص نزدیک به

یک باشد ملاک کفایت نمونه گیری برآورده شده و اگر مقادیر نزدیک به

صفر به این معنی است که باید اقدامات اصلاحی انجام شود. در واقع این شاخص

باید بالای ۰/۷۰ درصد باشد البته بین ۰/۵ و ۰/۷ نیز با احتیاط قابل قبول است.

(مولایک، ۲۰۱۶، ۲۴۱). برای محاسبه از spss استفاده شده از منوی

‘ analyze گزینه Dimension فرمان Factor را اجرا کرده تا نتیجه

حاصل شود.

۲- entrepreneurial resources

۳- general skills

۴- personal support oriented resources

۵- نرم افزار SPSS از جمله نرم افزارهای تحلیل آماری است که برای تعیین

پایایی مورد استفاده قرار می گیرد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی به دلیل کنترل و بررسی ابزارهای تکمیل‌شده توسط نمونه‌ها (زنان)، هیچ ابزار مفقوده‌ای وجود نداشت و تحلیل‌ها برای ۳۷۹ نفر انجام شد. در جدول شماره ۱، نتایج فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان شامل سن، تأهل و تحصیلات ارائه شده است. بیشتر نمونه‌ها دارای سن ۳۱-۳۵ سال (۳۱/۴۰٪)، متأهل (۵۲/۷۷٪) و تحصیلات آنها فوق‌لیسانس و بالاتر (۳۰/۰۸٪) بوده و میانگین درآمد آنها (۰/۳۶٪) سطح متوسط است.

متغیر وابسته از "رگرسیون چند متغیره" و آزمون ضریب همبستگی استفاده شد. لازم به ذکر است که برای سنجش نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شد که به دلیل مقدار معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵، از آزمونهای پارامتریک استفاده گردید (یعنی بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک همبستگی وجود داشته، اما بین متغیرهای پیش‌بین با همبستگی بالایی وجود نداشته باشد). علاوه بر آن، مقدار دوربین-واتسون برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بر اساس سرمایه اجتماعی برابر با ۱/۵۶۷، بر اساس مولفه‌های سرمایه اجتماعی برابر با ۱/۹۳۷ بود که از ۰ و ۴ فاصله زیادی داشت، بنابراین فرض همبستگی پسماندها نیز رد شد و شرایط استفاده از رگرسیون فراهم گردید.

جدول ۱. نتایج فراوانی و درصد فراوانی اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان شامل سن، تأهل و تحصیلات

متغیرهای جمعیت‌شناختی	ابعاد	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۲۶-۳۰ سال	۸۷	۲۲/۹۵
	۳۱-۳۵ سال	۱۱۹	۳۱/۴۰
	۳۶-۴۰ سال	۱۰۳	۲۷/۱۸
	۴۱-۴۵ سال	۷۰	۱۸/۴۷
	متأهل	۱۷۹	۴۷/۲۳
تحصیلات	متأهل	۵۲/۷۷	۵۲/۷۷
	بی‌سواد	۱۱/۶۱	۱۱/۶۱
	ابتدایی و راهنمایی	۱۲/۱۴	۱۲/۱۴
	متوسطه و دیپلم	۲۹/۰۲	۲۹/۰۲
	فوق‌دیپلم و لیسانس	۱۷/۱۵	۱۷/۱۵
درآمد	فوق‌لیسانس و بالاتر	۳۰/۰۸	۳۰/۰۸
	خیلی پایین	۵۱.۲	۵۱.۲
	پایین	۱۲.۱	۶۳.۳
	متوسط	۳۶.۴	۹۹.۷
	بالا	۰.۳	۱۰۰.۰

شغلی دختران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد که با توجه به فراوانی طبقات مشخص است که منزلت شغلی دختران بالاتر از مادران بود ($P < 0.001$).

در جدول شماره ۲ مقایسه منزلت شغلی دختران و مادران انجام شده. به نظر می‌رسد که منزلت شغلی دختران نسبت به مادران افزایش یافته است. برای بررسی این فرضیه از روش کای اسکوئر یا خی دو استفاده شده. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین منزلت

جدول ۲. نتایج کای اسکوئر یا خی دو برای مقایسه منزلت شغلی دختران و مادران

متغیر	طبقه	دختران	مادران	مقدار	df	Sig
منزلت شغلی	خیلی پایین	۱۰	۴			
	پایین	۶	۵			
	متوسط	۱۹۸	۳۰۰	۶۷/۶۴۵	۴	< 0.001
	بالا	۱۵۰	۷۰			
	خیلی بالا	۱۵	۰			

یافته است. برای بررسی این فرضیه از روش کای اسکوئر یا خی دو استفاده شده. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین تحصیلات دختران

-در جدول شماره ۳ میزان تحصیلات دختران و مادران آورده شده، به نظر می‌رسد که تحصیلات دختران نسبت به مادران افزایش

ومادران تفاوت معناداری وجود دارد که طبق فراوانی طبقات تحصیلات دختران بالاتر از مادران بود ($P < 0.001$).

جدول ۳. نتایج کای اسکوتر یا خی دو برای مقایسه تحصیلات دختران و مادران

متغیر	طبقه	دختران	مادران	مقدار	df	Sig
تحصیلات	خیلی پایین	۴۴	۷۸	۲۲۵/۰۹۸	۴	<۰/۰۰۱
	پایین	۷۱	۲۰۵			
	متوسط	۹۱	۸۸			
	بالا	۱۶۱	۸			
	خیلی بالا	۱۲	۰			

شده همان طور که مشاهده می شود بین درآمد دختران و مادران تفاوت معناداری وجود دارد که طبق فراوانی طبقات درآمد دختران بالاتر از مادران بود ($P < 0.001$).

-در جدول شماره ۴ میزان درآمد دختران و مادران مقایسه شده. به نظر می رسد که درآمد دختران نسبت به مادران افزایش یافته است. برای بررسی این فرضیه از روش کای اسکوتر یا خی دو استفاده

جدول ۴. نتایج کای اسکوتر یا خی دو برای مقایسه درآمد دختران و مادران

متغیر	طبقه	دختران	مادران	مقدار	df	Sig
درآمد	خیلی پایین	۱۴۲	۲۵۱	۷۰/۹۱۷	۴	<۰/۰۰۱
	پایین	۱۴	۸			
	متوسط	۵۳	۳۰			
	بالا	۱۰۳	۷۱			
	خیلی بالا	۶۷	۱۹			

تورم واریانس برای پیش بینی تحرک اجتماعی بر اساس مولفه های سرمایه اجتماعی در دامنه ۱/۰۰۰ الی ۱/۷۴۱ قرار داشت که به دلیل کوچکتر بودن از ۱۰ فرض هم خطی بودن چندگانه رد شد. چون اگر مقدار عامل تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ باشد فرض هم خطی چندگانه تایید می شود.

- در جدول شماره ۵ نتایج میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه و کولموگرو-اسمیرنوف سرمایه اجتماعی و تحرک اجتماعی بین نسلی زنان ارائه شده. طبق نتایج، فرض نرمال بودن متغیرهای تحرک اجتماعی بین نسلی و سرمایه اجتماعی و سه مولفه سرمایه اجتماعی به دلیل معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ رد نشد. همچنین، مقدار عامل

جدول ۵. نتایج میانگین، انحراف معیار، کمینه، بیشینه و کولموگرو-اسمیرنوف سرمایه اجتماعی و تحرک اجتماعی بین نسلی زنان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	آماره کولموگرو-اسمیرنوف	درجه آزادی	معناداری
میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی	۲۰/۹۹۲	۳/۰۷۰	۱۵	۲۹	۰/۱۰۱	۳۷۹	>۰/۰۵
میزان دسترسی به منابع کارآفرینی	۱۹/۱۹۰	۳/۲۸۷	۱۱	۴۴	۰/۰۹۲	۳۷۹	>۰/۰۵
میزان دسترسی به منابع حمایت فردی	۲۲/۲۴۰	۵/۱۸۶	۱۲	۳۴	۰/۱۲۷	۳۷۹	>۰/۰۵
سرمایه اجتماعی	۶۲/۴۲۲	۹/۰۲۲	۴۱	۸۳	۰/۰۶۹	۳۷۹	>۰/۰۵

اجتماعی و مولفه های آن با تحرک اجتماعی بین نسلی ارائه شده. متغیر سرمایه اجتماعی ($F=0.557$) و مولفه میزان دسترسی به حمایت فردی ($F=0.641$) و میزان دسترسی به مهارت عمومی ($F=0.464$) با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان رابطه مثبت و معنادار داشت ($P < 0.001$) ولی مولفه میزان دسترسی به منابع

یافته های استنباطی: در این پژوهش هدف اصلی، تحلیل جامعه شناختی پیوند انواع سرمایه با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در شهر اراک می باشد. برای بررسی و تحلیل فرضیه های پژوهش از روش های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با مدل گام به گام استفاده شده است. در جدول ۶ نتایج ضرایب همبستگی سرمایه

کارآفرینی ($r=0/084$) با تحرک اجتماعی بین نسلی رابطه معناداری نداشت ($p=0/052$)

جدول ۶. نتایج ضرایب همبستگی سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان

متغیرهای پیش‌بین / متغیر ملاک	تحرک اجتماعی بین نسلی	معناداری
میزان دسترسی به حمایت فردی	۰/۶۴۱	<۰/۰۰۱
میزان دسترسی به منابع کارآفرینی	۰/۰۸۴	۰/۰۵۲
میزان دسترسی به مهارت عمومی	۰/۴۶۴	<۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	۰/۵۵۷	<۰/۰۰۱

سرمایه اجتماعی توانست ۵۸/۴ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی بین نسلی زنان را پیش‌بینی کند ($P<0/001$).

در جدول شماره ۷ نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی بر اساس سرمایه اجتماعی زنان ارائه شد. طبق نتایج،

جدول ۷. نتایج رگرسیون چندگانه با مدل گام به گام برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان بر اساس سرمایه اجتماعی

متغیر پیش‌بین	R	R2	تغییر R2	F تغییر	df1	df2	Sig
سرمایه اجتماعی	۰,۷۶۵	۰,۵۸۴	۰,۶۵۹	۷۵,۹	۱	۳۷۷	<۰/۰۰۱

دسترسی به منابع مهارت عمومی وارد معادله شده و ضریب همبستگی این دو متغیر با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان ۰/۶۴۷ بود و این دو متغیر توانستند ۴۱/۸ درصد از تغییرات متغیر مذکور را پیش‌بینی کنند. لازم به ذکر است که متغیر میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی توانست ۰/۸ درصد توانایی پیش‌بینی را افزایش دهد. در مدل سوم بعد از میزان دسترسی به منابع حمایت فردی و میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی؛ متغیر میزان دسترسی به منابع کارآفرینی وارد معادله شده و ضریب همبستگی این سه متغیر با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان ۰/۶۵۳ بود و این سه متغیر توانستند ۴۲/۷ درصد از تغییرات متغیر مذکور را پیش‌بینی کنند. لازم به ذکر است که متغیر میزان دسترسی به منابع کارآفرینی توانست ۰/۸ درصد توانایی پیش‌بینی را افزایش دهد.

در جدول شماره ۸، نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی بر اساس مولفه‌های سرمایه اجتماعی زنان ارائه شد. طبق نتایج جدول ۵، مولفه‌های سرمایه اجتماعی با هم توانستند ۶۵/۳ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی بین نسلی زنان را پیش‌بینی کنند که با توجه به مدل‌ها از میان مولفه‌های سرمایه اجتماعی، میزان دسترسی به منابع حمایت فردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان داشت ($P<0/001$). در جدول فوق، اول متغیر میزان دسترسی به منابع حمایت فردی، به دلیل توانایی پیش‌بینی بیشتر اول وارد معادله شده و ضریب همبستگی این متغیر با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان ۰/۶۴۱ بود و این متغیر توانست ۴۱/۰ درصد از تغییرات متغیر مذکور را پیش‌بینی نماید. در مدل دوم بعد از میزان دسترسی به منابع حمایت فردی متغیر میزان

جدول ۸. نتایج رگرسیون چندگانه با مدل گام به گام برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان بر اساس مولفه‌های سرمایه اجتماعی

متغیر	R	R2	تغییر R2	F تغییر	df1	df2	Sig
۱ میزان دسترسی به منابع حمایت فردی	۰/۶۴۱	۰/۴۱۰	۰/۴۱۰	۲۶۲/۲۴۶	۱	۳۷۷	<۰/۰۰۱
۲ میزان دسترسی به منابع حمایت فردی و میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی	۰/۶۴۷	۰/۴۱۸	۰/۰۰۸	۵/۲۹۸	۱	۳۷۶	۰/۰۲۲
۳ میزان دسترسی به منابع حمایت فردی، میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی و میزان دسترسی به منابع کارآفرینی	۰/۶۵۳	۰/۴۲۷	۰/۰۰۸	۵/۲۹۷	۱	۳۷۵	۰/۰۲۲

عمومی (۱/۴۸) میزان دسترسی به منابع کارآفرینی (۰/۰۹۶) بوده است ($P<0/001$) نتیجه حاصل از آزمون خی دو نیز نشان داد که بین منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات دختران و مادران تفاوت

برای پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان بر اساس مولفه‌های سرمایه اجتماعی نتایج نشان داد که ضریب همبستگی میزان دسترسی به منابع حمایت فردی (۰/۵۷۱) میزان دسترسی به منابع مهارت

هم هستند فرد بر اساس برخورداری از ظرفیت هر کدام از سرمایه ها می تواند به سرمایه دیگر هم دسترسی پیدا کند، میزان برخورداری افراد از سرمایه ها محل قرار گرفتن آنها در جامعه مشخص می کند و می تواند تعیین کننده تحرک اجتماعی صعودی باشد. اما زنان مثل هم عمل نمی کنند. برخی با هدف خود شکوفایی بسیاری از موانع ساختار فرهنگی- اجتماعی مسدودکننده جامعه زمان را دور زده و حتی تحت الشعاع خویش قرار می دهند؛ زیرا به هدف، استعداد، آگاهی، اراده خود ایمان دارند بر اساس دیدگاه لرنر کسانی هستند که از توانایی های فکری، حل مسئله، دانش و مهارت، خلاقیت، نوآوری، پشتکار، نظم و مهارت های اجتماعی برای تعامل سازنده و موثر با دیگران برخوردارند لذا می توانند از تحرک اجتماعی صعودی برخوردار شوند و سطح زندگی خود را ارتقا بخشند. برخی دیگر در حد میانپهلو انگیزه و ذوق اهداف تازه برای زندگی و کسب تجربه تحرک اجتماعی بین نسلی را دارند ولی در چالش با موانع سنتی و ساختاری جامعه بومی دچار بحران ها، تنش ها، مسائل عدیده شده. مک کله لند معتقد است که میزان نیاز به موفقیت در همه افراد، گروه ها، ملت ها، مذاهب، و طبقات اجتماعی یکسان نیست و با شخصیت افراد سر و کار دارد که باعث ایجاد درجات متفاوتی از این انگیزه می شود. برخی پایین تر از میانه ولایه ای از قشر زنان بوده که در مواجهه با موانع و شرایط سخت محیط، قدرت ذوق و عشق درونی شان را از دست داده و دست از طلب و فعالیت توانمندانه برداشته و رویکرد انفعالی و پذیرشی گرفته اند. از این لحاظ نمی توانند برای کسب تحرک اجتماعی بین نسلی و صعودی، تجربه توانا و با اعتماد به نفسی را طی نمایند.

سخن آخر با تأیید تحرک اجتماعی صعودی زنان امروز و عدم نقد ریشه ای گزارش روایی فوق، به نظر پاره ای از محققان، مشکل و گره بشریت امروز دوری از معنویت وحد وجودی خویشتن انسانی است. بسیاری اشخاص از امکان های استاندارد زندگی مادی برخوردارند ولی از شخصیت متعادل، با اعتماد به نفسی برخوردار نیستند. ممکن است تحرک اجتماعی قشری و طبقاتی یافته باشند اما تحرک نسبتاً خالصی را تجربه نمی کنند چرا که به آن اهداف و معانی زندگی خود، آگاه و پایدار نیستند. این گونه انسان ها نمی توانند در تحرک اجتماعی صعودی و طی مراحل و نشانه های مثبت آن موفق باشند مگر مقداری حرکات افقی و نیز نزولی. لذا به نظر می رسد که فارغ از هر قضاوت شخصی و سلیقه ای برای تحرک اجتماعی بین نسلی علاوه بر حفظ معنای تحرک اجتماعی قشری و طبقاتی و رعایت آن، به دنبال تحرک در معنویت و حد وجودی خویشتن انسان باشیم.

مهم ترین محدودیت های این پژوهش شامل محدود شدن جامعه پژوهش به زنان اراک، استفاده از روش پژوهش همبستگی و عدم امکان دستیابی به روابط علت و معلولی، تک جنسیتی بودن نمونه پژوهش حاضر (زنان) و عدم وجود ابزارهای استاندارد و مناسب جهت ارزیابی تحرک اجتماعی بین نسلی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد. بنابراین، مهم ترین مزیت پژوهش حاضر ساخت ابزارهایی هنجار شده در زنان شهر اراک برای تحرک اجتماعی بین نسلی و سرمایه اجتماعی بود که سرمایه اجتماعی شامل سه مولفه میزان مشارکت در فعالیت های گروهی، میزان دسترسی به منابع فرهنگی

معناداری وجود داشته است. دو مولفه سرمایه اجتماعی شامل میزان دسترسی به منابع حمایت فردی و میزان دسترسی به منابع مهارت عمومی با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان رابطه مثبت و معنادار داشتند؛ به طوری که ضریب همبستگی میزان دسترسی به منابع حمایت فردی بیشتر از منابع دسترسی به مهارت عمومی بود ولی مولفه بعدی سرمایه اجتماعی یعنی میزان دسترسی به منابع کارآفرینی با تحرک اجتماعی بین نسلی زنان رابطه معناداری نداشت. در مجموع آمارها نشان داد که مولفه میزان دسترسی به منابع مبتنی بر حمایت فردی که از کنش های اظهاری است و نیاز به پیوندهای قوی و درجه اشتراک گذاشتن منافع و ایجاد حس مشارکت و ملاحظت و کارکردی فراتر از کارکردها و اثرات اقتصادی دارد نشان داد ۷۰ درصد پیوندها در خانواده شکل می گیرد و زنان از این منابع برخورداری خوبی دارند. در مقابل مولفه میزان دسترسی به منابع مهارتهای عمومی و مولفه میزان دسترسی به منابع کارآفرینی که از کنش های ابزاری هستند و نیاز به پیوندهای قوی ن دارند و زنان می توانند شبکه وسیعی با دیگران ایجاد نمایند و از آن برای پیشبرد موقعیت خود بهره برد، نشان داد که در مولفه اول فقط ۲۰ درصد پیوند ها در شبکه وسیع شکل گرفته و ۸۰ درصد پیوندها در خانواده شکل می گیرد. در مولفه دوم فقط ۵ درصد پیوندها وسیع بوده و ۶۵ درصد در خانواده شکل می گیرد و ۳۵ درصد هیچ پیوندی وجود ندارد. در حالی که برای برخورداری از مهارتهای عمومی و منابع کارآفرینی، باید شبکه های ارتباطی وسیع شکل بگیرد ولی زنان به دلایل جنسیتی و دیدگاه سنتی حاکم قادر به ایجاد این روابط نیستند لذا میزان برخورداری ایشان از این مولفه ها و در مجموع از سرمایه اجتماعی اندک است.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های تحقیق می توان گفت که سه شاخص منزلت شغلی، درآمد و تحصیلات زنان نسبت به مادرانشان صعودی بوده است و هر چه دسترسی به سرمایه اجتماعی افزایش یابد، تحرک اجتماعی صعودی بیشتر خواهد شد از طرفی چه روابط با دیگران بیشتر باشد دسترسی به منابع افزایش می یابد. سرمایه های در دسترس زنان جایگاه آنها را در میدانهای اجتماعی مشخص می کند و افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی موقعیت زنان را در میدان افزایش یا تنزل می دهد. با افزایش دسترسی، جایگاه و موقعیت و سرمایه اجتماعی فرد افزایش می یابد؛ چرا که افراد بیشتری برای برخورداری و رفع نیاز به وی رجوع خواهند کرد و او خواهد توانست فضای ویژه ای را به خود اختصاص دهد و شروع به آفرینندگی در شیوه های مخصوص به خود کند و ارتباط اجتماعی خود را گسترش دهد. زنانی که دسترسی بیشتری به منابع اطلاعات، اندیشه ها، راهنمایی ها، فرصت های کسب و کار و سرمایه های مالی، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد دارند از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند و بهتر می توانند قواعد بازی را رمزگشایی کنند و به سطوح بالاتر تحرک اجتماعی برسند. تحرک مستلزم هزینه و پیوند منابع سرمایه ای است. هر چند برخی از هزینه های منابع سرمایه ای ناقص و نارسا بوده و برخی از زنان نتوانسته اند به همه حقوق مدنی و فرهنگی شان دسترسی پیدا کنند ولی چون سرمایه ها قابل تبدیل به

translated by Mohammad Aziz Bakhtiari and Mohammad Foladi, Tehran: Bagheral Uloom Educational and Research Institute.

8. Dadgar, Yadullah, (2013) "History of economic thought developments" Qom, Mofid University Publications, 2013, second edition.

9. Giddens, Anthony, (2011). "Sociology" translated by Manouchehr Sabouri. publishing

10. Seidman, Steven, (2008) "Clash of votes in sociology", translated by Hadi Jalili, Nei publication.

11. Bourdieu, Pir, (1380). "Action Theory" translated by Morteza Mardiha, Tehran: Naqsh and Negar Publications.

12. Ritzer, George, (2013) "Sociological Theories in the Contemporary Era," translated by Mohsen Al-Talihi, Tehran: Scientific Publications.

13. Jenkins, Richard, (2004). "Pierre Bourdieu" translated by Leila Jo Afshani and Hassan Chavoshian, Tehran: New Publishing.

14. Taneh, Hossein Abolhasan, (2013), "Introduction to Sociological Schools and Theories", 5th edition, Shahin Publications.

15. Rafipour Faramarz, (1389).

و میزان تمایلات فرهنگی داشت. همچنین، از پیشنهادها پژوهشی می‌توان به بررسی رابطه تحرک اجتماعی بین‌نسلی و سرمایه اجتماعی در زنان سایر شهرها و حتی مردان اشاره کرد. پیشنهاد پژوهشی دیگر پیش‌بینی تحرک اجتماعی بین‌نسلی بر اساس سایر سرمایه‌ها مثل سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، انسانی و معنوی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای متخصصان، مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور تویحات کاربردی بسیاری داشته باشد و بر اساس آن پیشنهادها کاربردی زیر ارائه می‌شوند. اولین پیشنهاد کاربردی طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای افزایش تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان توسط متخصصان و برنامه‌ریزان ملی می‌باشد. پیشنهاد کاربردی دیگر افزایش تحرک اجتماعی بین‌نسلی زنان از طریق ایجاد شرایط برای بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی و مولفه‌های آن می‌باشد. آموزش و ترویج زمینه‌های ارتقاء سرمایه اجتماعی در بین مردم برای کمک و همیاری به دیگران و تقویت مشارکت بین آن‌ها نقش مؤثری در تحرک اجتماعی بین‌نسلی خواهد داشت. تقدیر و تشکر: بدین وسیله از همه کسانی که به نحوی در انجام این مطالعه سهمیم بودند، تقدیر می‌شود.

References

1. Jalaipour, Hamid Reza, Jamal Mohammadi, 1390, "Later Sociological Theories", third edition, Tehran: Nei Publishing.

2. Stones, Rob, (2009). "Great Sociological Thinkers" translated by Mehrdad Mirdamadi, Tehran: Neshr Marzan.

3. Noghani, Mohsen, (2013) "Sociological analysis of academic success in entering higher education (the case of Khorasan province)" Doctoral dissertation, Cultural Research Society Quarterly, No. 3.

4. Bourdieu, Pir, (1384) "Forms of capital, social capital, trust, democracy and development", translated by Afshin Khakbaz, Tehran, Shirazeh publication.

5. Tamin, Melvin, (2017) "Sociology of Stratification and Social Inequalities" translated by Abdul Hossein Nik Gohar, Tehran: Totia Publications.

6. Garb, Edward (2011). "Social inequality of classical and contemporary theoretical perspectives" translated by Mohammad Siahposh and Ahmad Gharavizad, Tehran: Contemporary Publishing.

7. Turner, Jonathan H., (2009). "Concepts and Applications of Sociology"